

چرا دخل و خرج مان با هم نمی‌خواند؟

خانواده امجد، متشکل از زن و شوهری بازنشسته و سه فرزند است.



خانواده امجد، متشکل از زن و شوهری بازنشسته و سه فرزند است. دو فرزند ازدواج کرده‌اند و سومی در آستانه ازدواج است. خانم امجد فرهنگی است و آقای امجد هم از اداره آتش‌نشانی بازنشسته شده است. تصویر چرا دخل و خرج مان با هم نمی‌خواند؟

آنها عمری را با حقوق کارمندی زندگی کرده‌اند، اما آنقدر دانش و تدبیر داشتند که بتوانند در میانه راه زندگی، اوضاع را آبرومندانه مدیریت کنند و در دوران سالمندی به رفاهی معقول دست یابند. این خانواده وضع قابل قبول مادی خود را مدیون اصولی هستند که عمری در زندگی رعایت کرده‌اند. در اینجا چکیده‌ای از اصول اقتصادی این خانواده و امثال آنها را برای شما دسته‌بندی می‌کنیم.

بودجه‌بندی

سعیده و حمید، زن و شوهری کارمندند و دو فرزند دارند. حقوق کارمندی آنها بالا نیست، اما هردو به نحوی سنجیده برای تمام هزینه‌ها اعم از خوراک، پوشاک، مخارج درمانی، تحصیل و سایر مقوله‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند و مخارج خانواده را مدبرانه در محدوده مبلغ دریافتی می‌گنجانند به نحوی که پایان هر ماه، مبلغی به عنوان پس‌انداز باقی می‌ماند. آن دو، مفهوم بودجه‌بندی را بخوبی به فرزندانشان یاد داده‌اند و این خانواده چهارنفره همراه به اشتیاق مبلغی که در پایان کنار گذاشته می‌شود تا به رفاه آتیه‌شان کمک کند، در همان چارچوب بودجه‌ها حرکت می‌کنند.

بودجه‌بندی، ستون اصلی اقتصاد هر فرد و خانواده است. فردی که درآمد بالا دارد، اما با مفاهیم بودجه‌بندی آشنا نیست، به محض دریافت حقوق، بی‌برنامه و باری به هرجهت پول خود را خرج می‌کند و اواخر ماه با مشکل کم‌پولی مواجه می‌شود، اما فردی که درآمد متوسط دارد و از همان ابتدای ماه، مخارج را بر برگه‌ای یادداشت و طبق همان اصول حرکت می‌کند، همواره احساس آرامش دارد و براحتی می‌تواند ماهانه مبلغی کنار بگذارد و بتدریج آن را به سرمایه‌ای چشمگیر تبدیل کند.

صرفه‌جویی درست و هدفمند

فرهاد حدود دو سال است فارغ‌التحصیل شده و با حقوقی معقول در شرکتی مشغول کار است. او از شغل و محیطی که در آن کار می‌کند، کاملاً راضی است اما مشکل اینجاست که در این مدت نتوانسته حتی ریالی پس‌انداز کند. اول هر ماه که حقوق می‌گیرد، هرچه دوست دارد، تهیه می‌کند و از اواسط ماه باید به انتظار حقوق ماه بعد بنشیند. فرهاد مجرد است و براحتی می‌تواند دوسوم درآمد خود را پس‌انداز کند، اما میلی به انجام این کار ندارد. علت این حالت او هم ویژگی اخلاقی والدینش است. پدر و مادر فرهاد عمری عادت داشتند در مقابل تمام خواسته‌های بچه‌ها براحتی قناعت و صرفه‌جویی را بهانه کنند، درحالی که صرفه‌جویی‌شان بی‌هدف بود و بعد از یک عمر حسرت به دل گذاشتن بچه‌ها برای آنها هیچ سرمایه خاصی درست نکردند.

این درحالی است که صرفه‌جویی باید صددرصد هدفمند صورت بگیرد. یک خانواده به مدت پنج سال به خود فشارهای زیاد وارد کرده و تمام غیرضروریات را حذف می‌کند، به امید این که پس از گذشت این مدت بتواند یک آپارتمان کوچک تهیه کند و در آن مسکن گزیند یا فردی می‌تواند مدت دوسال بشدت تلاش و درعین حال صرفه‌جویی کند تا امکان خرید خودرویی درحد نو را پیدا کند. وقتی خانواده یا خود فرد به هدفش می‌رسد، به جایزه شیرین صرفه‌جویی رسیده است. حلاوت این نوع صرفه‌جویی، بهترین مشوق برای ادامه این نوع روند است.

خریدکردن برای تجدید روحیه

آذر می‌گوید: من به خرید کردن علاقه دارم. هر بار کیف و کفش، لباس یا زیورآلات جدیدی می‌خرم، حس خوبی به من دست می‌دهد و تا یکی دو روز، خوشحالم. خریدکردن به من روحیه خوبی می‌بخشد و به همین دلیل، برای من به صورت عادت‌ی همیشگی درآمده است.

این که چیزی باعث شادی و دوری از افسردگی شود بسیار عالی است، اما در این مورد دور خرید کردن را باید خط کشید. افرادی که برای تجدید روحیه، مرتب خرید کرده و از این طریق، در خود احساس شادی کاذب ایجاد می‌کنند، از یک طرف مبلغی را بیهوده هدر می‌دهند و از طرف دیگر، گنج‌هایشان را پر از پوشاک و وسایل اضافه و بلااستفاده می‌کنند.

به گفته سرور بدیعیان، کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی و دارنده نظام روان‌شناسی، خرید کردن موجب درمان افسردگی نمی‌شود و برای شاد شدن و بهبود روحیه بهتر است افراد به موسیقی، ورزش، پیاده‌روی، دوش گرفتن، مصرف میوه و سبزیجات تازه و موارد مشابه روی بیاورند. تاثیر عوامل مذکور بمراتب ماندگارتر از خرید کردن است درحالی که هزینه خاصی دربر ندارد و به اقتصاد خانواده لطمه نمی‌زند.

وسواس خرید

مرضیه عادت دارد، برای خرید هرچیز، زمان و هزینه بیش از اندازه صرف کند. اگر می‌خواهد پالتو بخرد، باید تمام پالتوفروشی‌های شهر را زیرپا بگذارد، سیر طولانی در تمام سایت‌ها و صفحات تلگرام و اینستاگرام داشته باشد و به تمام شوه‌های لباس سرزند تا بتواند بهترین پالتوی ممکن را انتخاب کند. به خیال خود باید انتخابی داشته باشد که هیچ‌کس نتواند از آن ایرادی بگیرد. تازه بعد از خرید، اگر حس کند این آن چیزی نیست که می‌خواسته، پشیمان می‌شود و دوباره وقت و زمان به همراه هزینه‌ای جدید صرف می‌کند. مرضیه وسواس خرید دارد.

هستند کسانی که مانند مرضیه به این عارضه مبتلایند و به جای درمان این اختلال درونی به صرف هرچه بیشتر پول و زمان می‌پردازند.

به گفته سرور بدیعیان، اشخاصی که خود را اسیر وسواس خرید می‌بینند، به درمان حمایتی احتیاج دارند و برای حل مشکل خود باید به مشاوره حاذق مراجعه کنند تا این ناراحتی ریشه‌یابی شود و در جریان درمان قرارگیرد. وسواس خرید مانند سایر موارد وسواس، مشکلی جدی است و نباید سرسری با آن برخورد کرد.

خانواده همدل

در هر موردی که اعضای خانواده دست به دست هم دهند و تلاش کنند، موفقیت خیلی سریع حاصل می‌شود و صد البته یکی از مهم‌ترین موارد، اقتصاد است.

محسن کارمند است و حقوقی محدود دریافت می‌کند اما در امور مالی، تعقل و تدبیر قابل توجهی دارد. او همواره عادت داشته، درآمد خود را تحت بودجه‌بندی دقیق بگنجاند و پس‌انداز خود را به سرمایه تبدیل کند. او سه برادر دارد که آنها هم مانند او شم اقتصادی خوبی دارند و به دلیل حمایت از یکدیگر، از لحاظ اقتصادی رشد کرده‌اند. محسن سه سال بشدت کارکرد و با دریافت وام مسکن و مبالغی که برادرانش به او قرض دادند، موفق شد آپارتمانی مناسب تهیه کند. او هم برای برادرانش جبران کرد و هنگامی که از پرداخت قسط و بدهی‌هایش فراغت یافت، در حد خود آنها را حمایت کرد. روحیه همدلانه‌ای که بین برادران جریان دارد، باعث شده همگی در سنین کم صاحبخانه شوند و خیلی زود به رفاهی نسبی دست یابند. هنگامی که روحیه تعاون و همکاری در خانواده‌ای جریان داشته باشد، رشد و پیشرفت زودهنگام نتیجه آن است. این موضوع بخصوص در مورد پول و اقتصاد صدق می‌کند. وجود افراد حمایتگر، پرداخت سنگین‌ترین وام‌ها را تسهیل می‌کند و فرد، دیگر واهمه‌ای از خرید ملک و سایر اموال سنگین نخواهد داشت.

افزایش مهارت و اطلاعات

مریم در رشته زبان از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده بود. با آن که تسلط خوبی به زبان انگلیسی داشت، براحتی کار پیدا نمی‌کرد و عاقبت با تلاش فراوان در شرکتی بازرگانی با حقوقی اندک مشغول کار شد. شرکت مزبور روابط اقتصادی با چین داشت و به همین دلیل، مایل به استخدام مترجم زبان چینی بود و حاضر بود حقوقی سه برابر آنچه را به مریم می‌پرداخت، هزینه مترجم زبان چینی کند اما مترجم این زبان براحتی پیدا نمی‌شد.

همین درسی برای مریم بود تا به فکر یادگیری زبان دوم بیفتد. او به اسپانیایی علاقه داشت. در کلاس‌های این زبان شرکت کرد و طی دو سال به اسپانیایی تسلط پیدا کرد. اکنون براحتی می‌توانست در شرکت‌های فراوانی با حقوق خوب استخدام شود، بخصوص که در دست داشتن تجربه کار بازرگانی، امتیازی بزرگ برای او محسوب می‌شد.

هر فردی که به دنبال افزایش درآمد است، باید مهارت‌ها و توانایی‌های خود را بالا ببرد و به حدی برساند که سزاوار کسب درآمد دلخواهش است. هر کس باید ببیند توانایی‌هایش چقدر با توقعات او هم اندازه است. او باید با یادگیری دانش و مهارت جدید و کاربردی و آموزش و کسب تجربه بر داشته‌های خود بیفزاید تا بالاخره به کیفیت کارمند یا کارآفرینی برسد که لیاقت بالاترین درآمدها را دارد.

درآمد انفعالی

سه نوع درآمد داریم. یکی درآمدی که بابت کار پروژه‌ای پرداخت می‌شود. مثلاً معلم حق‌التدریس که دقیقاً بابت میزان ساعات کاری‌اش پول دریافت می‌کند.

دیگری درآمدی که بابت کار همراه با بیمه و حقوق بازنشستگی است و نوع سوم درآمد انفعالی است. درآمد انفعالی به معنای ایجاد نوعی سرمایه است که به کناری گذاشته می‌شود و خودبه‌خود برای صاحب و دارنده خویش افزایش مال به همراه می‌آورد.

مثلاً فرد کتابی می‌نویسد یا برنامه‌ای کامپیوتری را به صورت سی‌دی روانه باز می‌کند تا با فروش ماهانه، درصدی سود عایدش شود یا مبلغی را در بورس سرمایه‌گذاری می‌کند، پولی را در بانک سپرده‌گذاری می‌کند، قطعه‌ای زمین در شرایط رشد تهیه می‌کند یا مواردی مانند این‌ها که با گذشت زمان به او سود می‌رساند، بدون آن که نیاز به تلاش باشد. این روش، درآمد انفعالی خوانده می‌شود که یکی از رموز اصلی رشد اقتصادی است.

تلاش بیشتر برای افزایش درآمد

احتمالاً شما هم با افرادی برخورد کرده‌اید که برای مشکلات مالی و کم بودن میزان درآمد به زمین و زمان گله می‌کنند و همه را بجز خودشان مقصر می‌دانند. نداشتن پدر و مادر ثروتمند، نبودن شغل مناسب یا بدشانسی به دلیل داشتن مدیری خسیس و مانند اینها بهانه‌هایی است که این‌گونه افراد سر می‌دهند درحالی که اشکال اصلی خود آنهاست.

حقیقت این است که هرکس طالب پول و درآمد بیشتر است، باید میزان فعالیت و تلاشش را افزایش دهد. مرد جوان و نیرومندی که از صبح تا بعدازظهر در شرکتی مشغول کار است، می‌تواند سایر اوقات روز را به کاری از نوع دیگر حتی در حد دوساعت مشغول شود تا هم درآمد بیشتری کسب کند و هم تجربه‌ای جدید پیدا کند یا خانمی که کارمندی نیمه‌وقت است در منزل به انجام کارهای هنری یا تایپ مشغول شود. انجام کارهای غیرضروری و وقت هدر دادن پای شبکه‌های اجتماعی و مانند اینها باید جای خود را به تلاش و کار بدهد.

لیلا رعیت